



حضرت امام سپس به اشکالی که مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی به شیخ انصاری کرده اند اشاره می نمایند. اشکال مرحوم شیرازی آن است که:

«لا یخفی أنّ أولویة نسبة فعل الحرام من حیث أنّه حرام الی السبب أنّما یتحقّق إذا کان عنوان الحرام هو العنوان الأعمّ الصادق علی السبب و المباشّر كما فی باب الضمانات حیث أنّ السبب المحرّم فی باب الضمان هو عنوان الإتلاف الصادق علی فعل السبب و المباشّر و وجه الأقوائیة و الأولویة فی نسبة الفعل (-ح-) ظاهر حیث أنّ عنوان الفعل المحرّم صادق علی عمله مع زیادة الاختیار بخلاف المباشّر فانّ العنوان و ان کان صادقا علی عمله الاّ أنّه لا اخبار معه و کذا لو کان عنوان المحرّم و المبعوض هو تحقّق الفعل الّذی هو معنی اسم المصدر الّذی لم یلاحظ فی تحقّقه حیث الانتساب و الصدور عن فاعل نعم یلزمه حرمة الفعل بالمعنی المصدری الّذی هو سبب لتحقّقه خارجا كما فی الفاعل له بالتسبیب أو ذهنا كما فی الفاعل له مباشرة فإنّ التّأثیر عین الأثر فی الخارج و ان کان سببا له بحسب الذّهن بل یلزمه حرمة جمیع ماله دخل فی تحقّقه و ان کان فعل شرط أو عدم رفع مانع بل یلزم دفع استمراره إذا فرض تحقّقه فی الخارج و وجه الأولویة (-ح-) ما أشرنا إلیه من اجتماع عنوان السبب فی مع الاختیار كما فی هلاک النّفوس و انتهاک الاعراض الثابت فیهما ذلك بدلیل خارج و امّا إذا کان عنوان المحرّم هو اختیار مباشرة الفعل كما هو ظاهر جمیع أدلّة المحرّمات كأدلة الواجبات و المستحبّات و غیرها من الأحکام ففعل المحرّم لا ینسب حقيقة إلی السبب بل لو نسب الیه لا یكون الاّ مجازا فضلا عن أولویة الانتساب حتّی لو کان السبب علّة تامّة فضلا عن فاعل السبب و الشرط لوضوح أنّ من صار علّة تامّة لشرب غیره الخمر بأن أوجره فی حلقه مثلا قهرا لا یصدق علیه أنّه شرب الخمر الّذی فرض کونه هو العنوان الثابت تحریمه بقول (- الش-) لا تشرب الخمر بل (- الظ-) عدم تحقّق العنوان المحرّم فی الخارج رأسا فضلا عمّا هو مفروض المقام من کونه سببا مقابلا للعلّة التامّة بالنسبة إلی المباشّر لعدم اختیاره و لا بالنسبة إلی السبب لعدم صدور الفعل منه فدلیل حرمة ذلك العنوان لا یقتضی حرمة شیء منهما (-ح-) و لو ثبت دلیل علی کون المحرّم هو صدور الفعل الأعمّ من الاختیار بمعنی الإرادة فغایة الأمر صدق عنوان المحرّم الواقعیّ الغیر المنجزّ فیما نحن فیهِ علی فعل المباشّر لکن ذلك لا یقتضی أولویة الصدق علی الفعل السبب فلاحظ و تدبّر جیدا.»^۱

توضیح:

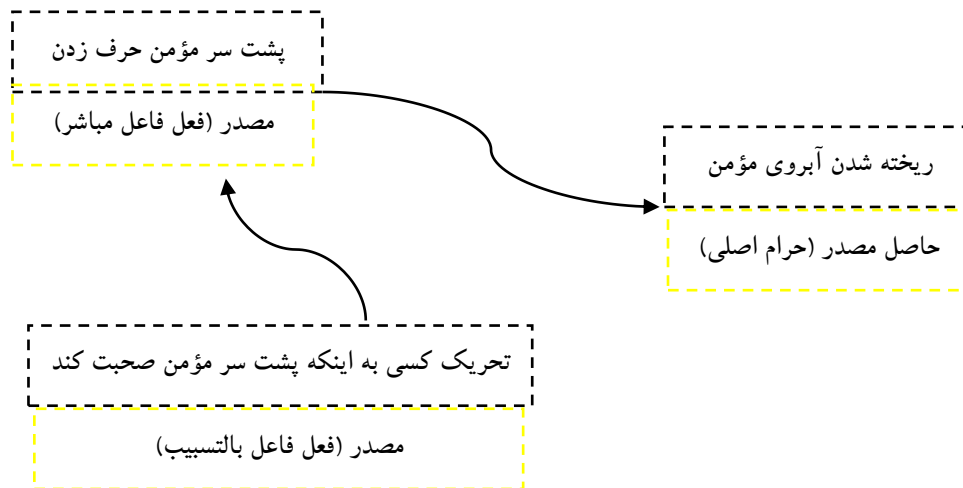
۱. جای می توانیم بگوییم «انتساب فعل حرام به سبب اقوی است» که عنوان حرام، عنوانی باشد که هم بر مباشر صدق کند و هم بر سبب مثل باب ضمان.
۲. در این گونه موارد هم می توان به مباشر که چیزی را خراب کرده گفت مُتلف و هم به سبب. ولی نسبت اتلاف به سبب اقوی است چراکه او، اختیار هم دارد.
۳. همین گونه است (یعنی اقوائیت سبب متحقق می شود) در جائیکه: تحقق فعل (به معنای اسم مصدری

۱. حاشیه مکاسب (للمیرزا الشیرازی)؛ ج ۱، ص: ۲۱



[حاصل مصدری] مبغوض شارع باشد و لذا هرچه در ایجاد آن دخیل باشد را شارع مبغوض بدارد. هرچند که آنچه دخالت دارد شرط یا عدم مانع باشد، بلکه حتی باید از استمرار حرام هم در اینجا جلوگیری کرد.

۴. [ما می گوئیم: برای درک عبارت مرحوم شیرازی به این جدول توجه شود:



حال:

چون ریختن آبروی مؤمن عین پشت سر او صحبت کردن است (چراکه تأثیر در عالم خارج عین اثر است) پس کار مباشر خارجاً عین ریختن آبروی مؤمن است و سبب آن نیست اگرچه ذهناً می گوئیم صحبت کردن سبب ریختن آبرو است.

ولی تحریک کردن سبب ریختن آبرو است خارجاً.

البته توجه شود که: زید که فاعل صحبت کردن است، فاعل بالمباشر است و عمرو که فاعل تحریک کردن است، فاعل بالتسبیب است] [

۵. در این مورد هم سبب از مباشر اقوی است چراکه علاوه بر اینکه عنوان بر سبب صدق می کند، اختیار هم دارد. (مثل این نوع، هلاک نفوس و ریختن آبروی مؤمن است)

۶. اما در جایی که حرام، فعل مباشر باشد (و نه حاصل از فعل مباشر):

در این صورت فعل حرام تنها به مباشر نسبت داده می شود و اگر هم به سبب نسبت داده می شود، مجاز است و لذا اصلاً انتساب به علت تامه درست نیست چه رسد به اینکه این انتساب اولی باشد و چه رسد به اینکه بخواهیم به سبب یا شرط انتساب دهیم.

۷. مثال: بر خوردن خمر به زید، صدق شرب خمر نمی کند (به عمرو که به زید خمر خورنده است، نمی



گویند شارب الخمر)

۸. بلکه در چنان جایی نمی توان از حرمت خمر، هیچ حرمتی را استفاده کرد چراکه مباشر اختیار نداشته و سبب هم خمر نخورده است.

۹. و اگر هم دلیلی ثابت کرد که حرمت خمر حتی در جایی که اختیاری نباشد، ثابت است، صرفاً مباشر کار حرام انجام داده است و باز هم اولوی نسبت به سبب در کار نیست.

حضرت امام به میرزای شیرازی جواب می دهند:

«و فيه: أن نظر الشيخ ظاهراً إلى ما ذكرناه، فالسبب موجب لوجود المبعوض في الخارج، و هو أقوى في ذلك من المباشر الجاهل. مضافاً إلى أن التفریق بین المقامین بما ذكره، كأنه في غير محله، فإن الإلتلاف لا يصدق حقيقة إلا على فعل المباشر، و الانتساب إلى السبب، مجاز بلا شبهة.

فمن قدم مال الغير إلى جاهل فأكله، لا يكون ممن ألتف ماله حقيقة، بل الأكل هو المتلف، و لا فرق بين أكل المال و متلفه، فإنه ألتفه بأكله. فكما لا يصدق الأكل حقيقة على القادم، لا يصدق المتلف عليه أيضاً على الحقيقة.

نعم، يصح الانتساب المجازی في الثاني دون الأول، و هو الفارق بينهما.

فإذا كان دليل الضمان نحو: من ألتف مال الغير فهو ضامن، لا يصح الحكم بالضمان في صورتين.

لكنّ المستفاد من الأخبار المختلفة

كقوله: «من أضرّ بشيء من طريق المسلمين فهو له ضامن»

و غيره، أن الضمان لا يدور مدار صدق الإلتلاف. بل يترتب على التسبیب و المباشرة، و المراد من التسبیب

ليس معناه المصطلح بل أعمّ من ذلك. و للكلام محل آخر.^۱

توضیح:

۱. اولاً: مراد شیخ از اقواییت سبب نسبت به مباشر، همان فرض (۲) است و در آنجا وجود سبب، موجب

پیدایش مبعوض می شود [ما می گوئیم: یعنی همان فرض دوم در کلام میرزای شیرازی]

۲. ثانیاً: فرض اول در کلام میرزای شیرازی چه فرقی با فرض سوم دارد؟ چراکه اتلاف بر سبب صدق نمی

کند بلکه آنچه حقیقه متلف است مباشر است و اگر به سبب می گوئیم متلف، مجاز است.

۳. مثال: اگر زید غذای بکر را به عمرو داد و عمرو خورد، حقیقه عمرو است که اکل است و متلف است و

زید حقیقه اکل و متلف نیست. البته به زید مجازاً می گوئیم متلف ولی به او مجازاً اکل نمی گوئیم.

۴. پس اگر دلیل ضمان، صدق اتلاف باشد و صرفاً بر مباشر صدق می کند اما دلیل ضمان، روایات دیگر

است. [صورتین: سبب و علت تامه]

۱. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)؛ ج ۱، ص: ۱۴۵